

ایران ورزشی

۳ سرمربی در ۱۶ ماه و معیارهای نامشخصی که همچنان در هاله ابهام قرار دارند

سرگیجه امید!

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

ماجرای نیمکت تیم امید ایران انگار قرار نیست از چرخه تکراری انتخاب و برکناری خارج شود. دوشنبه شب در یکی از برنامه‌های تلویزیونی اعلام شد بحیی گل محمدی با قراردادی دو ساله و دستمزد ماهانه ۸ میلیارد تومان هدایت تیم امید را بر عهده گرفته است؛ خبری که تا زمان انتشار این گزارش، هنوز به شکل رسمی از سوی فدراسیون فوتبال تأیید نشده بود.

ولی اگر این توافق نهایی شده باشد، گل محمدی سومین سرمربی تیم امید از خرداد ۱۴۰۴ تاکنون خواهد بود؛ آن هم در شرایطی که نام او از همان ابتدای فرایند انتخاب سرمربی، در میان گزینه‌های فدراسیون مطرح بود. حالا بار دیگر همان نام به نیمکت امید رسیده، اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست؛ فدراسیون فوتبال دقیقاً چه برنامه‌ای برای این تیم دارد و قرار است با چه سازوکاری به هدفی برسد که سال‌هاست از آن صحبت می‌شود؟

بحث بر سر توانایی‌های فنی گل محمدی نیست. مسأله این است که تیمی که نزدیک به ۲۰ ماه بدون سرمربی ماند، حالا در فاصله‌ای کوتاه چند بار تغییر کادر فنی را تجربه کرده، بی‌آنکه تصویر روشنی از برنامه بلندمدت آن در اختیار افکار عمومی قرار بگیرد.

توافق در اربیل: بازگشت نام آشنا

عمر دوشنبه، ۲۷ مهر، خبرهایی از توافق بحیی گل محمدی با فدراسیون فوتبال ایران منتشر شد. مدیران باشگاه دهوک عراق که پیش‌تر با جدایی سرمربی ایرانی خود مخالفت کرده و بار اعتبار قرارداد او تا پایان فصل تأکید داشتند، سرانجام با فسخ قرارداد موافقت کردند. گل محمدی که نزدیک به چهار ماه در فوتبال عراق فعالیت کرده بود، حالا در آستانه بازگشت به فوتبال ایران قرار گرفته است.

گفته می‌شود دو نفر از مدیران فدراسیون نیز برای پیشبرد مذاکرات به اربیل سفر کرده بودند. با این حال، جزئیات قرارداد، شرح وظایف سرمربی جدید و برنامه فنی تیم امید هنوز به‌صورت رسمی اعلام نشده است. در نتیجه، بخش مهمی از اطلاعات منتشرشده درباره این توافق همچنان بر پایه گزارش‌های رسانه‌ای و نقل‌قول‌هاست.

هدف اعلام‌شده برای این انتخاب، آماده‌سازی تیم امید جهت حضور در المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است؛ مأموریتی که برای فوتبال ایران اهمیتی فراتر از یک رقابت معمولی دارد. ناگامی‌های پیاپی در مسیر صعود به المپیک، این مسابقات را به یکی از حسرت‌های قدیمی فوتبال کشور تبدیل

کرده است.

محمدرحمان سالاری، عضو هیأت‌رئیسه فدراسیون فوتبال، پیش‌تر با اشاره به این موضوع گفته بود، ایران مدت‌هاست از حضور در المپیک محروم مانده و نباید اجازت داد این حسرت طولانی‌تر شود. با این حال، صرف تأکید بر اهمیت صعود، تضمینی برای موفقیت نیست؛ به‌خصوص وقتی هنوز مشخص نیست برنامه فدراسیون برای رسیدن به این هدف چیست.

از نیمکت خالی تا سه انتخاب

برای درک شرایط امروز تیم امید، باید به عقب برگشت. پس از شکست ایران مقابل هنگ‌کنگ در مرحله یک چهارم نهایی بازی‌های آسیایی هانگ‌زو در مهر ۱۴۰۲، این تیم در عمل بدون سرمربی ماند. این وضعیت نزدیک به یک سال و هشت ماه ادامه داشت تا اینکه سرانجام در خرداد ۱۴۰۴، امید روانخواه به‌عنوان سرمربی انتخاب شد.

انتخاب روانخواه از همان ابتدا بدون حاشیه نبود. او در شرایطی هدایت تیم امید را بر عهده گرفت که چند هفته پیش از آن، با هوادار به لیگ دسته اول سقوط کرده بود. همین موضوع واکنش‌هایی را در فدراسیون به دنبال داشت.

سالاری در اولین واکنش خود به این انتخاب، از روند این تصمیم‌گیری ابراز تعجب کرد و گفت در فرایند انتخاب نقشی نداشته است. او همچنین از نام‌هایی مانند بحیی گل محمدی، سعید دقتی و مجتبی حسینی به‌عنوان گزینه‌های مطرح شده یاد کرد و تغییر مسیر فدراسیون از این اسامی به روانخواه را غیرمنتظره دانست.

البته این موضع چندان دوام نیاورد. سالاری روز بعد توضیح داد که انتخاب روانخواه با مصوبه هیأت‌رئیسه انجام شده و او نیز از تصمیم نهایی حمایت می‌کند. با وجود این، حاشیه‌های اولیه نشان داد که حتی در داخل فدراسیون هم درباره روند انتخاب سرمربی اتفاق نظر کاملی وجود نداشت.

در ماه‌های پیش از این انتصاب، نام مربیان مختلفی از جمله مجتبی حسینی، رسول خطیبی و سعید دقتی مطرح شده بود. با این حال، در نهایت روانخواه انتخاب شد؛ مربی‌ای که تجربه هدایت تیم‌های ملی در رده‌های پایه را نداشت و قرار بود در مدت‌زمانی محدود، تیمی را برای رقابت‌های مهم پیش رو آماده کند. عیدی آمد تا نسل المپیک را بسازد؛ اما فرصت کافی نداشت؟

دومین تغییر در اردیبهشت ۱۴۰۵ رقم خورد. پس از ناکامی تیم امید در جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا، حسین عیدی هدایت این تیم را برعهده گرفت. انتخاب او با این استدلال همراه بود که تجربه کار در رده‌های پایه می‌تواند به ساختن تیمی منسجم برای المپیک ۲۰۲۸ کمک کند.

عیدی که سابقه سرمربیگری تیم‌های نوجوانان و جوانان ایران را داشت، در مسابقات راجیع به فوتبال ایران این است که برای هدایت تیم امید، سراغ مربیان باشگاهی می‌رود. در نگاه نخست، انتخاب مربی‌ای که با فضای لیگ و بازیکنان داخلی آشناست می‌تواند منطقی به نظر برسد. اما باشگاهی بودن، به‌خودی‌خود نه امتیاز قطعی است و نه عیب. مسأله اصلی آن است که آیا تجربه و روش مربی با نیازهای یک تیم ملی جوان سازگار است یا نه.

مسأله فقط نام سرمربی نیست؛ نبود معیار روشن، برنامه پایدار و پیوندی منسجم میان تیم‌های پایه و بزرگسالان، چشم‌انداز این تیم را تیره کرده است. هدایت یک باشگاه و ساختن تیمی از بازیکنان جوان، دو مسئولیت متفاوت‌اند.

مربی باشگاهی معمولاً باید در بازه‌ای کوتاه نتیجه بگیرد؛ جدول، فشار تماشاگران، رقابت برق‌با یا کسب سهمیه و محدودیت‌های نقل‌وانتقالاتی، تصمیم‌های روزمره او را شکل می‌دهد. در تیم امید، افزون بر نتیجه، کیفیت رشد بازیکنان نیز اهمیت دارد. سرمربی باید بتواند بازیکنانی را شناسایی کند که شاید هنوز در باشگاه خود جایگاه ثابتی ندارند اما ظرفیت حضور در سطح بالاتر را دارند.

این تفاوت در شیوه کار نیز بازتاب می‌یابد. مربی تیم ملی امید فرصت تمرین روزانه و پیوسته با بازیکنان را ندارد؛ بازیکنان از باشگاه‌های مختلف می‌آیند و اردوها معمولاً محدود است. بنابراین، انتخاب نفراات، هماهنگی با باشگاه‌ها، طراحی تمرین‌های فشرده و ایجاد یک الگوی بازی مشترک، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

موفقیت در این جایگاه تنها با شناخت لیگ یا داشتن سابقه مربیگری در سطح بزرگسالان تضمین نمی‌شود.

در فوتبال کشورهای صاحب سبک از برنامه توسعه، مربی رده امید صرفاً برای بردن مسابقه بعدی انتخاب نمی‌شود. بخشی از مأموریت او آماده‌سازی بازیکنان برای تیم ملی بزرگسالان است؛ به همین دلیل باید فلسفه فنی تیم ملی، روش کار رده‌های پایه و برنامه توسعه بازیکنان هماهنگ باشد.

اگر چنین پیوندی وجود نداشته باشد، حتی مربی‌ای با تجربه قابل توجه در باشگاه نیز ممکن است در ساختن تیمی منسجم و انتقال بازیکنان به سطح بالاتر با دشواری روبه‌رو شود.

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جباری انصاری
- مدیرعامل و مدیر مسئول : علی متقیان
- سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
- سردبیر ایران ورزشی: علی جوادی
- تلفن: ۰۱۱۳۳۰۴۸۵۵ • نمایر: ۰۲۱۳۳۳۰۴۸۷۱
- چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • ۰۲۱۳۳۰۴۸۵۵۱۸۷۷
- امور مشترکات: ۰۲۱۳۳۰۴۸۵۲۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

مربی‌ای که دو سال و نیم قبل از المپیک انتخاب شد

برای فهمیدن اینکه «فرایند» در عمل چه شکلی دارد، لازم نیست دور برویم. فدراسیون فوتبال ژاپن در دسامبر ۲۰۲۱، یعنی حدود دو سال و نیم پیش از المپیک پاریس، گو-اویورا را سرمربی تیم زیر ۲۱ سال کرد که هدفش صعود به همان بازی‌ها بود. اویورا تا آن روز سرمربی تیم زیر ۱۸ سال ملی بود. پیش‌تر مربی آموزشگاه فدراسیون و پیش



عکس: کمیته ملی المپیک

که بدانیم تیم امید تنها یک تیم ملی دیگر نیست؛ بلکه حلقه اتصال فوتبال پایه به تیم ملی بزرگسالان و یکی از مهم‌ترین مسیرهای پرورش نسل آینده فوتبال ایران است.

مسأله فقط انتخاب سرمربی نیست

اگر توافق با گل محمدی نهایی شده باشد، او کار خود را در شرایطی آغاز می‌کند که فرصت چندانی برای آزمون و خطا وجود ندارد. هدف، حضور در المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس است؛ هدفی که تحقق آن به برنامه‌ریزی مستمر، هماهنگی باشگاه‌ها با تیم ملی، شناسایی بازیکنان مستعد و ثبات در تصمیم‌گیری نیاز دارد.

تغییر سرمربی به‌خودی‌خود نشانه اشتباه نیست. گاهی نتایج ضعیف یا اختلاف در مسیر فنی، ادامه همکاری را غیرممکن می‌کند. اما وقتی در مدت‌زمانی کوتاه چند مربی روی یک تیمکست می‌نشینند، فدراسیون باید توضیح دهد که از هر انتخاب چه انتظاری داشته و چرا آن مسیر به پایان رسیده است.

تیم امید ایران سال‌هاست با هدف صعود به المپیک معرفی می‌شود اما این هدف بارها در حد شعار باقی مانده است. اگر قرار باشد هر ناگامی به تغییر سرمربی و آغاز دوباره مذاکرات منجر شود، بعید است نتیجه‌ای متفاوت به دست بیاید.

گل محمدی، در صورت نهایی شدن قرارداد، سومین سرمربی تیم امید در ۱۶ ماه اخیر خواهد بود؛ نامی که پیش‌تر هم در فهرست گزینه‌ها قرار داشت. حالا باید دید این بار انتخاب فدراسیون با برنامه‌ای روشن و حمایت کافی همراه می‌شود یا چند ماه دیگر، فوتبال ایران دوباره در برابر پرسش قدیمی قرار خواهد گرفت؛ چرا تیم امید، با وجود تغییرهای پیاپی روی نیمکت، هنوز راه مشخصی برای رسیدن به المپیک ندارد؟

فوتبال، نیز در سوم مهر با استغای او موافقت کرد. اما در میان خبرهای مربوط به این کناره‌گیری، نکته دیگری هم وجود داشت. عیدی در توضیحات خود عنوان کرده بود که پیش از اعزام به ناگوا نیز برقرار می‌شد و تیم امید باید در زمانی محدود به آمادگی لازم می‌رسید.

نتیجه این حضور، بار دیگر فوتبال ایران را با یک ناکامی روبه‌رو کرد. تیم امید در دو مسابقه اول خود مقابل امارات و چین، چهار امتیاز به دست آورده بود؛ پیروزی سه بر یک برابر امارات و تساوی بدون گل مقابل چین، شرایط مناسبی برای صعود ایجاد کرده بود. بدین ترتیب در دیدار پایانی برابر کره شمالی نیز ایران ابتدا با گل امیرحسین حسین‌زاده پیش افتاد، اما در ادامه کنترل مسابقه را از دست داد و در نهایت با نتیجه چهار بر یک شکست خورد.

این شکست به معنای پایان کار ایران در مرحله گروهی بود. تیم امید با چهار امتیاز در رتبه سوم قرار گرفت و چین با پنج امتیاز صدرنشین شد. تفاضل گل ایران نیز که پیش از این مسابقه مثبت بود، به منفی یک رسید تا تیمی که با یک تساوی هم می‌توانست شانس صعود داشته باشد، از ادامه رقابت‌ها باز بماند.

این ناکامی در شرایطی رقم خورد که بازیکنانی مانند حسین‌زاده، کسری طاهری و اسماعیل حسینی‌زاده در ترکیب تیم حضور داشتند و حتی لیگ برتر نیز برای فراهم شدن فرصت آماده‌سازی تیم پیش‌تر به بعدی شده بود. با این حال، امید نتوانست از موقعیت خود استفاده کند و یک بار دیگر پرونده حضور ایران در یک رقابت مهم آسیایی زودتر از انتظار بسته شد.

عیدی پس از بازگشت به ایران از سمت خود استعفا داد و مسئولیت ناکامی را پذیرفت. او از مردم عذرخواهی کرد و گفت تبعات این نتیجه را برعهده می‌گیرد. مهدی تاج، رئیس فدراسیون

فرا‌تر از تغییر نام‌ها

بحث بر سر انتخاب «روانخواه» یا گزینه‌های دیگر، هرچند مهم است، نباید به جدالی محدود بر سر نام‌ها تبدیل شود. مسأله بنیادی‌تر آن است که مقاطع از امکانات، زمان تیم امیدی می‌خواهد، تیمی که صرفاً برای مسابقه بعدی تشکیل می‌شود، یا حلقه‌ای از برنامه‌ای چندساله برای پرورش و انتقال بازیکنان؟

اگر معیارها روشن نباشد، هر انتصاب تازه می‌تواند با موجی از تردید و اعتراض روبه‌رو شود. اگر برنامه‌ای وجود نداشته باشد، تغییر مربی نیز ممکن است تنها به جابه‌جایی یک نام یا نامی دیگر بینجامد. و اگر روابط بر ضوابط مقدم شود، حتی انتخاب مربی‌ای با سابقه درخشان نیز نمی‌تواند به‌تنهایی اعتماد از دست‌رفته را بازسازی کند.

اتکای صرف به مربیان باشگاهی، به‌خودی‌خود راه‌حل یا علت قطعی ناکامی نیست. آنچه اهمیت دارد، تناسب مربی با مأموریت تیم و وجود ساختاری است که از او حمایت و عملکردش را ارزیابی کند. فوتبال باشگاهی می‌تواند منبعی ارزشمند برای یافتن مربیان آشنا با بازیکنان و رقابت‌های داخلی باشد؛ اما انتساب از این حوزه باید در محیط باشگاهی بماند؛ جایی که ساختن و دسترس بودن یا شهرت، نه صرفاً در دسترس بودن یا شهرت،

ملی بزرگسالان خواهد شد. یعنی تیم امید در این کشور مرحله‌ای از یک مسیر است، بازیکنان، مربی و فلسفه بازی همه از همان مسیر به بالا می‌روند. رقابت‌های انتخابی المپیک در چرخه ۲۰۲۴ همان جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا بود؛ برای سال ۲۰۲۸ نیز باید برای همان مرحله آماده شد.

کارشناس

صعود به المپیک ۲۰۲۸ به تغییر نگاه فدراسیون نیاز دارد

جلالی: دو سال پیش با گل محمدی به توافق رسیدم، اما فدراسیون نپذیرفت

مجید جلالی با استقبال از احتمال انتخاب بحیی گل محمدی به‌عنوان سرمربی تیم فوتبال امید ایران، این تصمیم را نشانه‌ای از توجه بیشتر به اهمیت این تیم دانست؛ هرچند تأکید کرد که تغییر سرمربی به‌تنهایی برای موفقیت کافی نیست و فدراسیون فوتبال باید در شیوه مدیریت، برنامه‌ریزی و همکاری با باشگاه‌ها نیز تجدید نظر کند.

جلالی درباره انتخاب احتمالی گل محمدی اظهار داشت: «امیدوارم این اتفاق تنها یک تغییر ظاهری نباشد و به اصلاح نگاه‌ها و روش‌های اجرایی در بخش‌های مختلف فدراسیون منجر شود. دو سال پیش نیز بر ضرورت توجه جدی به تیم امید و انتخاب بهترین گزینه برای هدایت آن تأکید کرده بودم اما آن زمان با وجود پیگیری‌هایی که انجام دادم، فدراسیون این پیشنهاد را نپذیرفت. حتی با بحیی گل محمدی مذاکره کرده و به توافق نهایی رسیده بودیم. ولی فدراسیون در آن مقطع از این انتخاب موافقت نکرد.»

این کارشناس فوتبال با اشاره به اهمیت تجربه بین‌المللی سرمربی تیم امید ادامه داد: «برخی مربیان قبلی با وجود جودنی و توانایی‌های فنی، تجربه کافی در سطح بین‌المللی نداشتند. انتخاب مربی با تجربه می‌تواند اتفاق مثبتی باشد، اما مسأله اصلی این است که فدراسیون تا چه اندازه از برنامه‌های سرمربی حمایت می‌کند. با شناختی که از گل محمدی دارم، تصور می‌کنم او پیش از پذیرش این مسئولیت، برنامه‌هایش را با فدراسیون هماهنگ کرده باشد. امیدوارم این روند به روزهای بهتری برای فوتبال امید ایران منجر شود.»

جلالی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، به یکی از چالش‌های همیشگی تیم امید یعنی همکاری باشگاه‌ها در آزادسازی بازیکنان اشاره کرد. او با یادآوری هزینه‌هایی که باشگاه‌ها برای جذب بازیکن می‌پردازند و اهمیتی که کسب نتیجه در مسابقات برای آنها دارد، معتقد است فدراسیون باید به جای تکیه بر برخورد‌های تنبیهی از ابزارهای تشویقی برای جلب همکاری باشگاه‌ها استفاده کند.

او در این خصوص پیشنهاد داد: «فدراسیون می‌تواند برای باشگاه‌هایی که بازیکنان خود را در اختیار تیم امید قرار می‌دهند، امتیازهای ویژه‌ای در دوره نقل‌وانتقالات در نظر بگیرد. این باشگاه‌ها با همکاری در یک پروژه ملی، بخشی از منافع ورزشی خود را در اولویت پایین‌تری قرار می‌دهند؛ بنابراین باید سازوکاری وجود داشته باشد که همکاری آنها را به اقدامی سودمند تبدیل کند.»

این کارشناس همچنین هماهنگی میان برنامه‌های آماده‌سازی تیم امید و تقویم سازمان لیگ را ضروری دانست و تأکید کرد که بدون تعامل میان این دو مجموعه، اجرای برنامه‌های تیم ملی در کنار مسابقات فشرده باشگاهی دشوار خواهد بود. به اعتقاد او، فدراسیون باید شرایطی فراهم کند که برنامه‌های آماده‌سازی تیم امید از ابتدا با تقویم مسابقات باشگاهی هماهنگ باشد.

تیم امید ایران برای حضور در المپیک ۲۰۲۸ لس‌آنجلس با انتظارات زیادی روبه‌رو است؛ هدفی که تحقق آن، علاوه بر انتخاب سرمربی مناسب، به برنامه‌ریزی بلندمدت و همکاری تمام بخش‌های فوتبال کشور نیاز دارد. جلالی نیز تأکید دارد که موفقیت در این مسیر تنها با تغییر کادرفنی به‌دست نمی‌آید و باید نگاه مدیریتی به تمام بخش‌ها تغییر کند.

طبق اطلاعات مطرح‌شده درباره رقابت‌های انتخابی آسیا، جام ملت‌های زیر ۲۳ سال آسیا در سال ۲۰۲۸ به میزبانی ژاپن برگزار خواهد شد و این مسابقات مسیر کسب سهمیه فوتبال المپیک لس‌آنجلس به‌شمار می‌رود. براساس اعلام فدراسیون فوتبال ژاپن، دو تیم برتر این رقابت‌ها سهمیه المپیک را کسب خواهند کرد؛ موضوعی که اهمیت برنامه‌ریزی و آماده‌سازی به‌موقع تیم امید ایران را دوچندان می‌کند.

تیم‌های امید در فوتبال جهان چگونه اداره می‌شوند؟

چند دوره، استعدادهای مختلف را شناسایی و آماده کند.

در انگلیس نیز توجه به فوتبال پایه با تربیت مربیان متخصص گره خورده است. «لی کارلی» که هدایت تیم زیر ۲۱ سال این کشور را بر عهده داشته، به قهرمانی در رقابت‌های اروپایی این رده سن در سال ۲۰۲۳، نمونه‌ای از مربیانی است که توانایی خود را در همین مسیر نشان داده‌اند.

نکته مهم در این الگو، توجه به تخصص و تجربه مربیگری در رده‌های پایه است؛ نه صرفاً شهرت فرد در دوران بازیگری.

البته همه کشورها یک مسیر مشابه را دنبال نمی‌کنند. آرژانتین با انتخاب «خاویر ماسکرانو»، چهره سرشناس فوتبال این کشور، به سراغ انتقال تجربه یک بازیکن بزرگ به نسل جوان رفت. حضور ستاره‌های سابق در تیم‌های پایه می‌تواند به ایجاد انگیزه و انتقال تجربیات حرفه‌ای کمک کند اما موفقیت چنین انتخابی نیز به برنامه فنی، حمایت مدیریتی و فرصت کافی برای کار بستگی دارد.

البته مقایسه این کشورها با یکدیگر باید با یک ملاحظه همراه باشد؛ همه آنها ساختار مستقل زیر ۲۳ سال ندارند و در برخی کشورها، تیم زیر ۲۱ سال نقش اصلی را در آماده‌سازی بازیکنان جوان ایفا می‌کند. بنابراین، آنچه اهمیت دارد صرفاً عنوان تیم یا نام سرمربی نیست، بلکه نحوه سازمان‌دهی فوتبال پایه است.